

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی - پژوهشی، سال هجدهم، شماره نهم، آذر ۱۳۹۷، ۶۹-۹۲

نقد و تحلیل کتاب اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل

فرهاد ترحمی*

فاطمه بزازان**

چکیده

محتوای کتاب *اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل* شامل بنیان‌های نظری و چالش‌های حوزه اقتصاد مقاومتی و شروط تحقق و دستاوردهای آن است. در این جهت، با به‌کارگیری مدل مدیریتی شش حلقه‌ای، به‌لحاظ نظری و عملی اقتصاد مقاومتی بررسی شده است. حلقه‌های مدل عبارت‌اند از رهبری و مدیریت، کاهش وابستگی‌ها، اصلاح ساختارها، توسعه زیرساخت‌ها، مردم‌محوری، و ارتباطات و تعاملات جهانی. ساختار کتاب خبری و خطابه‌ای است و تحلیل اقتصادی در آن به‌کار گرفته نشده است. استفاده نکردن از آمارهای به‌روز، ابزارهای سنجش در علم اقتصاد، و تحلیل ناکافی از ساختار اقتصاد ایران از کاستی‌های کتاب ذکر شده به‌شمار می‌رود. درکل، این کتاب به‌منظور کسب اطلاعات کلی از اقتصاد مقاومتی و مشکلات اقتصاد ایران نوشته شده است، اما در زمینه تحلیل اقتصادی به‌خصوص ادبیات موضوع و ابزار علمی مورد استفاده نواقص فراوان دارد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد ایران، اقتصاد مقاومتی، تحلیل اقتصادی، نظریه و عمل.

۱. مقدمه

ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در بهمن ۱۳۹۲ زمینه مناسبی را برای پژوهش‌گران و اندیشمندان فراهم کرده است تا از طریق آن بتوانند جنبه‌های گوناگون اقتصاد ایران را

* پژوهش‌گر پسادکتری علوم اقتصادی، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)، f.tarahomi@alzahra.ac.ir
** دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا، fbazzazan@alzahra.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۰۱

بررسی کنند و به ارائه راه‌کارهای مناسب بپردازند. در این جهت، هریک از مقالات و کتب از نظر خاصی موضوع را تبیین کرده‌اند. بررسی روند اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی، که تمامی صاحب‌نظران اقتصادی بر آن تأکید کرده‌اند، به تحلیل شاخص‌های مستخرج از متن سیاست‌های ابلاغی نیاز دارد. به گونه‌ای که بتوان با مطالعه روند شاخص‌های مذکور، توفیق یا بی‌توجهی به اقتصاد مقاومتی را مورد بحث قرار داد. بنابراین، تألیف کتب و مقالاتی که بتواند به‌نحو دقیق و با استفاده از متن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به تعیین شاخص‌های مرتبط و بررسی روند اجرایی آن‌ها اقدام کند، امری خطیر است. از سوی دیگر، بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی به گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در محیط‌های علمی و آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی تأکید کرده است. بنابراین، ضروری است که آثار چاپ‌شده واکاوی شوند. مقاله حاضر به نقد یکی از کتب منتشر شده با عنوان *اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل می‌پردازد*. پس از مقدمه و در بخش دوم، به اختصار کتاب معرفی می‌شود. سپس، ابعاد شکلی مورد توجه قرار می‌گیرد. ابعاد محتوایی اثر در بخش چهارم تحلیل می‌شود. موارد مرتبط با توان و کیفیت تحلیل علمی، میزان انسجام و نظم منطقی، و سازگاری با مبانی و پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده در این بخش آورده شده است. در پایان، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲. معرفی کتاب

کتاب *اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل* نوشته فیروز داوودی را گروه تخصصی نیروگستر قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا و جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر در هزار نسخه و با قیمت ۱۴۵۰۰۰ ریال نخستین بار در سال ۱۳۹۵ به چاپ رسانده‌اند. آنچه از عنوان کتاب برمی‌آید هدف از تألیف تحلیل بنیان‌های نظری و ارائه راه‌کارهای عملی کردن اقتصاد مقاومتی است. در این خصوص و در پشت جلد، هدف کتاب بیان مفاهیم و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی و درج شروط تحقق و دستاوردهای آن ذکر شده است. این اثر در نه فصل تألیف شده است. فصل اول، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی را با توجه به مفاهیم ارزشی و دینی مورد بحث قرار می‌دهد. فصل دوم، مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی را در شش حلقه بررسی می‌کند. این مدل در کنفرانس بین‌المللی ایتالیا (مدیریت قرن ۲۱) پذیرفته شده و به چاپ رسیده است (به نقل از شرح پشت جلد کتاب). فصل سوم، نگاهی راه‌بردی به اقتصاد مقاومتی نام دارد. در این خصوص، راهبردهای عملیاتی در اقتصاد مقاومتی و نقش

هریک بیان شده است. در فصل چهارم، بایدهای مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی بررسی شده است. ارکان مدیریت جهادی و شاخص‌های آن و ویژگی‌های مدیران جهادی و نقش مدیریت جهادی در تحقق اقتصاد مقاومتی از جمله مواردی است که در این فصل بررسی و تحلیل شده‌اند. فرهنگ و اقتصاد مقاومتی در فصل پنجم تحلیل شده است و نشان از این دارد که نویسندگان مسئله فرهنگ را در اجرایی‌شدن اقتصاد مقاومتی بسیار مهم می‌دانند. چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی در فصل ششم بیان شده است. مسائلی نظیر مهم‌ترین وابستگی‌ها و ضعف‌های اقتصادی کشور، چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی، و بیان الگوهای توسعه اقتصاد به این فصل مربوط‌اند. فصل هفتم به نقش‌آفرینان اقتصاد مقاومتی اشاره دارد و اشخاص حقیقی یا حقوقی را که می‌توانند در به‌ثمر رسیدن اقتصاد مقاومتی مؤثر باشند معرفی کرده است. در فصل هشتم، مواردی معرفی می‌شود که موجب عملیاتی‌شدن اقتصاد مقاومتی می‌شود. موارد گسترده‌ای از اصلاح نظام آموزشی تا کاهش وابستگی به نفت مورد توجه نویسنده قرار گرفته و در این فصل آورده شده است. فصل نهم نیز دستاوردهای اقتصاد مقاومتی و مزایای آن را بر شمرده است. بدین معنا که با اجرای صحیح اقتصاد مقاومتی چه فوایدی نصیب کشور می‌شود.

۳. بررسی شکلی کتاب

۱.۳ نگرش کلی به کتاب

اثر مورد بررسی فاقد پیش‌گفتار است و با مقدمه محسن رضایی شروع می‌شود. ایشان ذکر می‌کنند که تاکنون در راستای تحقق و عملیاتی‌کردن اقتصاد مقاومتی، گام‌های پراکنده و غیرمنسجم برداشته شده است (ص ۷). ضمن این‌که اقدامات انجام‌گرفته تاکنون کافی نبوده است (همان). در ادامه، مؤلف اقتصاد مقاومتی را راه‌بردی برای ساخت فرصت‌ها از تهدیدهای موجود می‌داند و در نهایت، اطلاعات و مطالب کتاب را راه‌نمایی جامع و کامل برای تبیین راه‌بردها و کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی می‌داند (ص ۸). بنابراین، در مقدمه کتاب، نوید یک اثر نوین به خوانندگان داده می‌شود، به‌صورتی‌که با سایر آثار (به‌دلیل کامل و جامع‌بودن) متفاوت است. گرچه اهداف کتاب به‌تصریح در متن مشخص نشده است، با توجه به جمله نویسنده مبنی بر این‌که «کتاب اقتصاد مقاومتی با آگاهی‌بخشی و ارائه راه‌کار، نقش هریک از احاد جامعه را برای تحقق مطلوب آن روشن و شفاف می‌کند»، می‌توان دریافت که هدف نهایی کتاب ارائه

مبانی نظری و راه‌کار عملیاتی در خصوص اقتصاد مقاومتی است. با توجه به زمان تألیف کتاب (سال ۱۳۹۵ ش)، نویسنده امکان دسترسی به متن سیاست‌های ابلاغی و تحلیل‌های سایر نویسندگان را داشته است. اگرچه موضوع پژوهش اقتضا می‌کند که مصادیق مورد نظر نویسنده به صورت نمودار و جدول ارائه شوند، اما استفاده محدودی از این دو ابزار شده، به گونه‌ای که کتاب فاقد نمودار است. از ۱۰ جدول به کاررفته نیز برخی منبع ندارند. علاوه بر آن، نحوه شماره‌گذاری آن‌ها نیز صحیح نیست. برای نمونه، جدول (۱-۱) در صفحه ۳۳، بدون منبع ذکر شده است، حال آن‌که در صفحه ۶۷، جدول ۱ آورده شده است که فاقد منبع است. در کل، در کتاب چند جدول ۱ آمده است (ص ۶۷، ۱۴۱، ۱۸۸). بدیهی است که موارد ذکر شده سبب می‌شود که مطالعه و درک مطالب با دشواری بیش‌تری انجام شود. علاوه بر آن، چندین عکس بدون عنوان و منبع فهم متن را مختل می‌کند. برای مثال، در صفحات ۲۳، ۱۶۱، ۱۷۳، ۱۷۴ چنین وضعیتی برقرار است. در مقدمه کتاب نیز، به استفاده از اثر در جایگاه منبع درسی اشاره‌ای نشده است. گرچه کاربرد آن در برنامه آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ضعیف ارزیابی می‌شود و صرفاً می‌تواند یک نگرش کلی در خصوص سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به دانشجویان و علاقه‌مندان بدهد. از نظر بیان روند مطالب در هر فصل، برخی از فصول مقدمه مجزا دارند، ولی در خصوص بعضی دیگر این کار انجام نشده است. بنابراین، روند مشخصی در این مورد وجود ندارد و در ضمن، جمع‌بندی جداگانه در پایان هر فصل آورده نشده است. علاوه بر آن، منابع برای کسب اطلاعات بیش‌تر یا پیش‌نهاد پژوهشی برای تکمیل این تحقیق در پایان فصول و یا در پایان کتاب ارائه نشده است. در کل، نمایه‌ای برای اعلام، موضوعات، منابع، و اصطلاحات به کاررفته در اثر تنظیم نشده و صرفاً به تهیه فهرستی از منابع استفاده شده در متن اکتفا شده است. شایان یادآوری است که درج منابع به صورت یک‌سان انجام نگرفته است (همانند منابع ۱۰ و ۱۱). ضمن این‌که برخی از منابع ذکر شده در متن در انتهای کتاب آورده نشده است. برای نمونه، منابع صفحات ۲۵ (مجموعه آثار شهید مطهری)، ۲۹ (آیه ۱۴ سوره مبارکه آل عمران با ترجمه بهرام پور)، ۳۰ (داوود دانش جعفری)، ۴۴ (پایان‌نامه زهرا رستمی) چنین وضعیتی دارند. ضمن این‌که در مورد آخر لازم بود که نام دانشگاه، استاد راهنما، رشته تحصیلی، و سال دفاع نیز قید می‌شد. اشکال نیز منبع ندارند و درج عناوین آن‌ها در پایین شکل انجام گرفته است؛ امری که نامرسوم است (برای نمونه، اشکال ص ۷۲، ۱۰۰).

۲.۳ کیفیت ظاهری و فنی

۱.۲.۳ طرح جلد کتاب

طرح روی جلد، با تأکید بر شش مؤلفه مدیریت مصرف، اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصاد مردمی، اقتصاد کارآفرینی، مدیریت جهادی، و تولید ملی سعی بر انتقال مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد. در پشت جلد نیز، عنوان کتاب به زبان انگلیسی آورده شده است و نقش اقتصاد مقاومتی به‌منزله راه‌بردی نوین برای تشخیص حوزه‌های فشار ازسوی دشمنان و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها دانسته شده است. ضمن این‌که تصویر نویسنده کتاب به‌هم‌راه خلاصه‌ای از تخصص‌های وی آورده شده است که این روش در کتب علمی چندان به‌کار نمی‌رود. در مجموع، طرح جلد کتاب منتقل‌کننده مفهوم اقتصاد مقاومتی است.

۲.۲.۳ حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

در این بخش، موارد ذیل قابل تأمل است:

۱. اندازه قلم اعداد مندرج در جدول همانند متن است، درحالی‌که همواره تلاش می‌شود که اندازه قلم اعداد یا حروف مندرج در جدول کوچک‌تر از متن درج شود تا به زیبایی متن افزوده شود. چنین وضعیتی درخصوص تمامی جداول کتاب به چشم می‌خورد؛
۲. تیرهای کتاب، با نوار خاکستری در متن مشخص شده است. این امر در کتب علمی مرسوم نیست؛
۳. اندازه حروف انگلیسی همانند حروف فارسی درج شده است. معمولاً، حروف انگلیسی دو اندازه کوچک‌تر از حروف فارسی نوشته می‌شوند تا به زیبایی متن افزوده شود (برای مثال، ص ۶۰، ۲۰۷)؛
۴. نحوه ارجاع منابع در کتاب متنوع است. در برخی از موارد، منابع در پانوشته قید شده است و گاهی منابع در متن درج گردیده است. برای نمونه، در صفحات ۳۰، ۳۱، ۳۲ چنین وضعیتی وجود دارد. در پانوشته‌ها نیز منابع به یک صورت آورده نشده است. برای مثال، در صفحه ۱۶۰، کتاب اصول کافی به‌هم‌راه نام نویسنده معرفی شده است، حال آن‌که کتب تحف‌العقول و نهج‌السعادة فاقد چنین شرایطی اند. باتوجه‌به موارد فوق، کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر متوسط ارزیابی می‌شود.

۳.۲.۳ کیفیت چاپ، صحافی، قطع اثر

کتاب مورد بررسی از نظر وضوح چاپ حروف و ثبات رنگ در حد قابل قبولی قرار دارد. برخلاف فراهم بودن امکان استفاده از طیف بیش‌تر رنگ‌های خاکستری در نمودارها و جداول، برای زیبایی و به‌منظور تفهیم بهتر، فقط از رنگ خاکستری تیره استفاده شده است. اما این امر خلل محسوسی ایجاد نکرده است. بنابراین، کیفیت چاپ کتاب خوب ارزیابی می‌شود. از نظر قطع اثر، شایان یادآوری است که اکنون، رایج‌ترین قطع برای کتاب قطع وزیری با ابعاد متغیر در فاصله ۲۰×۱۳ تا ۲۶×۲۰ سانتی‌متر است (سیداخلاقی ۱۳۸۰). قطع اثر مورد بررسی وزیری با ابعاد ۲۳×۱۷ است. با توجه به تعداد صفحات کتاب، قطع انتخاب شده مناسب است. به نظر می‌رسد شیرازه کتاب در برابر تعدد دفعات استفاده از آن مقاوم باشد. بنابراین، کیفیت صحافی اثر خوب ارزیابی می‌شود. با توجه به مطالب ذکر شده، کیفیت چاپ و صحافی و قطع اثر مطلوب است.

۴.۲.۳ نمونه خوانی و اغلاط چاپی

نمونه خوانی مطلوب موجب می‌شود که متن حروف‌نگاری شده از نظر مطابقت با رسم‌الخط یک‌پارچگی متن و تصحیح غلط‌های چاپی و املائی به صورت مناسبی تهیه شده باشد. بررسی متن کتاب نشان می‌دهد که نمونه خوانی از نظر تصحیح اغلاط املائی و چاپی مطلوب است. در مواردی کاستی‌هایی به شرح ذیل دیده می‌شود:

۱. وجود غلط املائی در متن نظیر آرامان (آرمان. ص ۵۰) و دست رس (دسترس. ص ۵۲)، نشئت (نشات. ص ۶۵)، مدیریت (مدیریت. ص ۱۵۹)، کنفراس (کنفرانس. ص ۲۰۷)؛
۲. برخی از کلمات در متن جا افتاده است و باید اضافه شود. نظیر عبارت «محدودیت‌های ۸ تا ۱۵ ساله برای صنعت هسته‌ای به‌ویژه تحقیق و توسعه» که می‌بایست واژه «در زمینه» بین «به‌ویژه» و «تحقیق و توسعه» ذکر شود؛
۳. بعضی از اغلاط مصطلح در کتاب استفاده شده است؛ برای نمونه، به‌کارگیری واژه «دوماً» به جای «ثانیاً» (ص ۲۱).

۵.۲.۳ اصول عمومی نگارش و قواعد ویرایش تخصصی

در این خصوص، موارد زیر می‌تواند در کتاب مورد توجه قرار گیرد:

۱. استفاده نکردن از علامت ویرگول: برای نمونه، در صفحه ۱۹ بعد از عبارت «بعد از یک دانه خرما»، صفحه ۱۳۳ بعد از کاربرد «این واژه تا اواسط دهه ۱۳۷۰ چندان رایج نبود». نمونه‌های دیگر را می‌توان در صفحات ۱۵۹ و ۱۶۲ یافت؛
 ۲. استفاده نامناسب از نقطه‌گذاری در متن: برای نمونه، در صفحه ۳۳ و بعد از عبارت «تقویت نهادهای اقتصادی اجتماعی و سیاسی منجر به توسعه اقتصادی نظام شود» نیاز به درج نقطه دارد و یا در صفحه ۳۷ پس از عبارت «ارتباطات و تعاملات جهانی (بند ۶)»، استفاده از نقطه لازم نیست؛
 ۳. در برخی از موارد، از درج نام انگلیسی در پانویشت غفلت شده است. برای نمونه، لایشیج و دراگان (ص ۳۱)، کیت گری فین (ص ۱۵۴) و بوریس زاگاریس (ص ۱۵۴).
- بنابراین، می‌توان گفت که کتاب به ویرایش مجدد نیاز دارد.

۶.۲.۳ رسایی و روان بودن متن

در کل، متن کتاب روان است. گرچه جملات شعاری یا احساسی در آن دیده می‌شود. برای مثال، در صفحه ۱۵۷ قید شده است که «برنامه‌ریزی مناسب را هم دولت و هم مجلس باید مورد توجه قرار دهند» که جمله‌ای شعاری است. در صفحه ۱۸۶ نثر احساسی و شعاری به صورت هم‌زمان به کار گرفته شده است: «معلمان به‌عنوان طلایه‌داران فرهنگ مبارزه با وابستگی اقتصادی کشور [...] که این رسالتی بزرگ بر دوش معلمان فهیم و دل‌سوخته جامعه است» و یا در صفحه ۱۵۲ آورده شده است: «بر همه واجب است بکوشیم رازهای شکوفایی ایران کهن را دگر باره ارج نهیم و در پی تحصیل جایگاهی درخور و سزاوار باشیم». حال آن‌که در کتب علمی می‌باید، متون فارغ از احساس و شعار بیان شوند. از سوی دیگر، جملات ثقیل نیز در کتاب مورد استفاده قرار گرفته است. برای نمونه، در صفحه ۱۹، جمله‌ای با عبارت «ظهور اسلام در حجاز» آغاز شده و پس از پنج سطر پایان می‌پذیرد و یا در صفحه ۳۵ جمله‌ای با عبارت «امید است با برنامه‌ریزی مناسب» آغاز می‌شود و پس از سه سطر با فعل «صرف شود» پایان می‌پذیرد. این دو جمله نمونه‌هایی از عبارات نفس‌گیر کتاب‌اند. در بعضی از مواقع، فاعل به‌نحو مطلوب در جمله به‌کار نرفته است. برای مثال، در صفحه ۳۱، چنین جمله‌ای آورده شده است: «اقتصاد مقاومتی راه نجات و توسعه هر کشور دانسته که لازمه شکوفایی آن را در وحدت [...] مردم است» که احتمالاً فاعل آن لایشیج و لاگان است. علاوه بر آن، برخی از واژه‌ها نیاز به توضیح و شرح

بیش تری دارند. واژه‌های حث نذر (ص ۲۷)، اباحه‌گری (ص ۱۵۸)، و صندوق سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر (VC) چنین وضعیتی دارند. درضمن، توضیح برخی از مطالب ناتمام مانده است. برای نمونه، در صفحه ۴۶، شرح وظایف کمیته ماده ۷۶ در پانوشت کامل نشده است. گاهی نویسنده، به‌منظور تعریف یک مفهوم، از خود آن عبارت استفاده کرده است. در صفحه ۱۶۸ ذکر شده است: «اقتصاد مقاومتی مکتبی است که پایه‌های آن مبتنی بر [...] و متناسب با سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی است». همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، عبارت اقتصاد مقاومتی توسط خود مفهوم بیان شده است. گاهی نیز فعل انجام کار به نویسنده نسبت داده شده است. حال آن‌که در متون علمی، چنین امری جایز نیست. برای مثال، افعال ببینیم (ص ۲۵)، مشاهده می‌کنیم (ص ۸۷)، و باید بپذیریم (ص ۹۲) چنین وضعیتی دارند. تطابق زمانی نداشتن فعل نیز در جملات کتاب به چشم می‌خورد. در صفحه ۲۱ آمده است: «برخی دیگر علم اقتصاد را علم پریشان‌کننده، [...] تعریف کردند» که می‌بایست فعل «کرده‌اند» استفاده می‌شد و یا در همان صفحه و در جمله «چون ثروت در سال‌های بعد، نقش و جایگاه ویژه‌ای در زندگی ملت‌ها باز می‌کرد»، زمان فعل، تطابق لازم را ندارد. بنابراین، روان‌بودن و رسابودن متن کتاب متوسط ارزیابی می‌شود.

۴. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۱.۴ توان و کیفیت تحلیل علمی

هدف پژوهش بیان مبانی نظری و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی است. در این جهت، نویسنده در فصل اول بیان می‌دارد که تاریخچه اقتصاد مقاومتی مرتبط با بعثت پیامبران است (ص ۱۹) و بر این نظر است که اقتصاد مقاومتی فاقد پیشینه نظری یا عملی در کل دنیاست (ص ۲۰). «شاید برخی از کشورهای دنیا فعالیت‌هایی را برای توسعه و بهبود اقتصاد خود به‌صورت مقطعی انجام داده باشند، ولی این رفتار متفاوت از مکتب اقتصاد مقاومتی است» (ص ۲۰)، درحالی‌که چنین ادعایی به شرح و بسط بیش‌تر نیاز دارد و می‌بایست تفاوت بین تجارب سایر کشورها و اقتصاد مقاومتی در متن شرح داده می‌شد. به‌بیان‌دیگر، مشخص نشده است که مکتب اقتصاد مقاومتی (به‌نظر نویسنده) دارای چه ویژگی‌های خاصی است که آن را از تجربه سایر کشورها متمایز می‌سازد. در ادامه (ص ۲۰)، علم اقتصاد به چهار گروه خلاصه شده است. معمولاً، علم اقتصاد از نظر

نحله‌های فکری به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شود و فعل «خلاصه‌شدن» تاحدی نامأنوس است. ضمن این‌که نویسنده صرفاً به تعاریف اولیه، کلاسیک‌ها، نوکلاسیک‌ها، و مدرن اشاره کرده است. درحالی‌که در بخش تعاریف مدرن، هیچ اشاره‌ای به مکاتب نهادگرایان، نیوکینزین‌ها، و طرف‌داران اقتصاد رفتاری نشده است. در صفحه ۲۱ نیز نوشته شده است: «برخی دیگر (منظور منتقدین علم اقتصاد است)، این علم را پریشان‌کننده، علم بدلی و علم نان و کره تعریف کرده‌اند». باتوجه‌به این جمله، این سؤال مطرح می‌شود که اولاً چه اندیشمندانی از این طرز تفکر حمایت کرده‌اند؛ ثانیاً، دلایل آن‌ها برای توصیف علم اقتصاد در این سطح نازل چه بوده است، مسئله مهمی که در کتاب موردغفلت واقع شده است. تعاریف جدید ذکرشده از علم اقتصاد نیز ناکافی است. درابتدا، بحث کالاهای عمومی و نیازهای انسان مطرح شده است (ص ۲۱) و درادامه به تعریف علم اقتصاد اشاره شده است (ص ۲۲) و سپس، به‌صورت شعارگونه، وظایف علم اقتصاد تعیین شده است. در صفحه ۲۲ و در این ارتباط چنین ذکر شده است: «باید برای اقتصاددانان هر کشور، این امکان به‌وجود آید تا بررسی و تحقیقات علمی، بیماری‌های اقتصادی از قبیل تورم، بی‌کاری، و رکود و غیره را با استفاده از ابزارهای علم اقتصاد شناسایی کرده و راه‌کارهای لازم را در اختیار سیاست‌مداران قرار دهند تا با اجرای آن‌ها، شاهد اقتصادی شکوفا و جامعه‌ای سالم و به‌دور از فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی باشیم». باتوجه‌به این جمله، نویسنده می‌توانست با استفاده از کتب مختلف اقتصادی، مبحث کالاهای عمومی و انواع آن را بسط دهد. شایسته بود که ابزارهای علم اقتصاد معرفی می‌شد تا خواننده بتواند به‌نحو مطلوب‌تر مطلب را درک کند. علاوه‌برآن، ارتباط بین تورم با جامعه‌ای دور از فساد و ناهنجاری‌های اجتماعی محتاج دلیل و برهان است. از آن‌جاکه کتاب جنبه پژوهشی دارد، لازم است با ارائه آمار و داده و تحلیل آن‌ها، مباحث تشریح شوند و صرف ارائه جملات شعارگونه کافی نیست. درادامه، در صفحه ۲۷، مؤلف می‌نویسد که در نظام اقتصاد غربی، مباحثی نظیر توسعه پایدار و مصرف بین‌نسلی چندان موردتوجه قرار نگرفته است. فارغ از مسائل ارزشی، امروزه دو مورد فوق، در تحلیل‌های مختلف کتب روز اقتصادی دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد. مفهوم توسعه پایدار در سال ۱۹۸۷ از سوی سازمان ملل متحد تعریف شده است و در کتبی نظیر اقتصاد توسعه گیلیس، پرکینز، رومر و اسنودگراس (Gillis, Perkins, Roemer and Snodgrass) آورده شده است. هم‌چنین موضوعاتی نظیر نهادها، فرهنگ، حقوق مالکیت، فساد و پیچیدگی اقتصادی (economic complexity) در کتب اقتصاد توسعه راه پیدا کرده است. برای نمونه، مباحث

فوق در کتاب اقتصاد توسعه رولاند (Roland) که در زمره جدیدترین کتب اقتصاد توسعه جهان است، مورد بحث قرار گرفته است. علاوه بر آن، بهیمنگی بین‌نسلی در فصل دوم اقتصاد خرد جهل و رنی (Jehl and Reny) نیز آورده شده است. ازدیدگاه عملی، کشور نروژ با مصرف بهینه منابع طبیعی خود الگوی مناسبی برای سایر کشورها بوده است. در صفحه ۳۱، به پیروی از اقتصاد اسلامی، اقتصاد مقاومتی یک مکتب نامیده شده است، ولی در همان صفحه، از قول لایشیج و دراگان ذکر شده است که اقتصاد مقاومتی برای بهتر زیستن مردم است. در این خصوص، ارتباط نقل قول از دو نویسنده خارجی (که سابقه علمی آن‌ها بر خواننده کتاب نامعلوم است) و مکتب اقتصاد مقاومتی که منبعث از اقتصاد اسلامی است، مبهم مانده است. بحث ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد متعارف نیز یکی دیگر از مسائلی است که در کتاب باید مورد توجه قرار گیرد. در صفحه ۳۳، هدف اقتصاد لیبرالی (احتمالاً اقتصاد متعارف مدنظر بوده است) برآورده کردن حداکثر غرایض (که نوع غرایض مشخص نیست) و امیال شخصی افراد و کسب سود ذکر شده است. حال آن‌که در اقتصاد مقاومتی، هدف برآورده شدن اهداف اقتصاد اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی ذکر شده است. در این جهت، بهتر بود که نویسنده با مراجعه به متن سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نقاط اشتراک و افتراق اقتصاد متعارف و اقتصاد مقاومتی را مشخص می‌کرد و به صورت جزئی مبحث را شرح می‌داد. در فصل دوم، مدل اقتصاد مقاومتی بیان شده است و باتوجه به عنوان کتاب و شرح پشت جلد، اساس پژوهش بر این فصل بنیان گذاشته شده است. باتوجه به مطالب درج شده در این فصل، موارد زیر قابل ملاحظه است:

۱. در صفحه ۳۵ نوشته شده است که اقتصاد ایران در وضع مناسبی قرار دارد که از نظر تولید بعضی از اقلام همانند پسته، زعفران، و خاویار رتبه اول را در دنیا داراست و در تولید بعضی از اقلام دیگر نیز، رتبه دوم تا دهم دنیا را در اختیار دارد. باتوجه به این جمله، سؤالات زیر مطرح می‌شود:

الف) از کدام منبع این اطلاعات استخراج شده است؟

ب) «اقلام دیگر» شامل چه مواردی است؟

ج) آیا این اقلام ارزش افزوده بالایی دارند که بتوانند موجب رشد اقتصادی شوند؟

د) باتوجه به وضعیت مناسب اقتصاد ایران (برطبق جمله بالا)، چه لزومی به اقتصاد

مقاومتی «آن‌هم به‌عنوان یک نسخه فوق‌العاده ضروری و عملیاتی» (ص ۳۳) است؟

ه) کالاهای نامبرده شده فقط شامل مواد خام اند و یکی از معضلات اقتصادی کشور ایران کسب درآمد از ماده خام (نفت و گاز) است. امروزه، مواردی هم چون تکنولوژی و سرمایه انسانی به منزله مزیت اقتصادی کشورهاست؛ نکته‌ای که مورد غفلت قرار گرفته است.

مدل اقتصاد مقاومتی، که نویسنده کتاب ارائه کرده است، شش حلقه را در بر می‌گیرد که هر یک شامل زیرمجموعه‌های مختلف است. برخی از موارد طرح شده در این مدل در حال حاضر در کشور اجرا می‌شود. حلقه اول که رهبری و مدیریت را در بر می‌گیرد، شامل شش زیرمجموعه است که شامل مواردی هم چون تهیه و تدوین اهداف و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی و توجه به سیاست‌های ابلاغی و عملیاتی کردن برنامه‌ها و اسناد بالادستی است. همان گونه که ذکر شد، در حال حاضر، دو مورد فوق در سطح ملی و استانی از سوی دولت در حال اجراست. حلقه دوم، بیانگر کاهش وابستگی‌هاست. در این بخش، نویسنده فقط به صورت خطابه‌ای مواردی را مشخص کرده است که برخی از آن‌ها محل تأمل است. برای مثال، مهیا کردن شرایط سرمایه‌گذاری و حمایت از فعالیت‌های اقتصادی در فضایی امن و آسان در بهبود محیط کسب و کار متجلی می‌شود که در این خصوص، وضعیت کشور ایران طبق گزارش‌های بانک جهانی مطلوب نیست. علاوه بر آن، در زیربخش حمایت از تولیدات داخلی و ملی (ص ۴۲)، صرفاً به فعال کردن حوزه‌های کشاورزی و صنعت اشاره شده است و بخش خدمات در نظر گرفته نشده است. گرچه در بخش (۲-۲-۲)، به تأسیس و توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان تأکید شده است، بخش خدمات، شامل حوزه‌های گوناگون نظیر گردشگری است که می‌تواند ارزش افزوده بالایی فراهم آورد. ضمن این که برخی از زیربخش‌های خدمات از بخش‌های بالادستی یک اقتصاد محسوب می‌شود (نظیر حمل و نقل). در خصوص حلقه‌های زنجیره تولید (ص ۴۳)، نوشته می‌شود که تعیین صنایع پیش‌رو عموماً با توجه به ارتباطات بین‌بخشی و با استفاده از جدول داده - ستانده انجام می‌پذیرد. در این جهت، با استفاده از این ابزار و روش‌های مختلف، در ابتدا بخش‌های پیش‌رو شناسایی می‌شوند و موجب تحرک سایر بخش‌ها می‌شوند. با توجه به این نکته در متن چنین آمده است: «با رونق این صنایع (منظور صنایع پیش‌رو است)، ده‌ها صنعت دیگر مانند صنعت ساخت و ساز مسکن، نفت و گاز، خودرو و غیره رونق می‌گیرد». در این جمله چند نکته درخور ذکر است:

الف) کدام صنایع پیش‌روند؟

ب) منظور از «و غیره» چیست و کدام بخش‌های اقتصادی را در بر می‌گیرد؟

ج) هنگامی که بخش پیش‌رو با ابزار علمی مشخص نشده است، چگونه می‌تواند بخش‌های نام‌برده را به تحرک وادارد؟

در بخش (۲-۲-۴) و درخصوص مشارکت حداکثری مردم در تحقق کاهش وابستگی‌ها آورده شده است: «اگر بتوان اقتصاد کشور را برپایه مشارکت حداکثری مردم شکل داد، کشور از نظر مقابله با تهدیدها و تأثیرپذیری از آن مقاوم خواهد شد». البته، در این خصوص توضیح داده نشده است که این امر چگونه صورت خواهد گرفت. در صفحه ۴۴ (جدول ۱)، آمار ضریب جینی و تورم آورده شده است. اولاً این آمار قدیمی است، زیرا داده‌های سالانه تا سال ۱۳۹۴ (باتوجه به زمان چاپ کتاب) نیز در دسترس بوده است. ثانیاً، نتیجه اخذشده از جدول مشخص نیست. فقط ذکر شده است که تبیین معیارهای عدالت در توزیع درآمد و تشریح نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها می‌تواند شفافیت لازم را در ارزیابی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی داشته باشد، اما این جمله کمکی به ارتباط بین ضریب جینی و تورم نمی‌کند. ضمن این‌که در صفحه ۴۴، بر توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید تأکید شده است که به شرح پیش‌تری نیاز دارد. در صفحه ۴۶ گسترش صادرات غیرنفتی مدنظر قرار گرفته است. نویسنده مجدداً بر صادرات مواد خام، نظیر پسته، تأکید می‌کنند، اما باید توجه کرد که کشور ژاپن (کشور مورد تأکید نویسنده)، به‌طریقی دیگر مسیر توسعه را طی کرده است. در بسیاری از موارد، روند کتاب فاقد تحلیل موشکافانه است. برای نمونه، در صفحه ۵۳ و در ذیل بحث ریشه‌ها و علل گسترش فساد در ایران، فقط به‌صورت کلی مواردی آورده شده است و شرحی داده نشده است. برای مثال، نویسنده وجود غول‌های اقتصادی شبه‌دولتی و ضعف در عملکرد دیوان محاسبات را از ریشه‌ها و علل فساد در ایران می‌داند، ولی هیچ‌گونه توضیح و یا داده‌ای به‌منظور تبیین دلیل خود ذکر نکرده است. در بحث مردم‌محوری (ص ۵۹)، لازم بود که به اقدامات انجام‌گرفته در مورد اصل ۴۴ و مردمی‌سازی اقتصاد اشاره می‌شد، ولی هیچ آمار و تحلیلی در این خصوص ارائه نشده است. گرچه مدل اقتصاد مقاومتی معرفی شده دارای شش حلقه مدیریتی است، به‌منظور عملیاتی کردن یک مدل، باید شرایط موجود به‌دقت تبیین و مشخص شود و این امر با ارائه داده و آمار و تحلیل صورت می‌گیرد. ذکر مصادیق گرچه مفید است، به‌تنهایی نمی‌تواند در جهت عملیاتی شدن اقتصاد مقاومتی مؤثر باشد. برای مثال، در حلقه دوم مصادیق ذکر شده است، ولی راه‌کار به‌منظور نیل به وضعیت مطلوب شرح داده نشده است. در فصل سوم، به‌صورت تیتروار، راه‌بردهای مختلف در مورد اقتصاد

مقاومتی بیان شده است. تیرهای مذکور فاقد هرگونه شرح و بسط بوده است. علاوه بر آن، در صفحات ۷۹ تا ۸۶، برنامه‌های راهبردی کشور، بدون هیچ تفسیر و تحلیل آورده شده‌اند. در فصل چهارم، به باید‌های مدیریت جهادی در اقتصاد مقاومتی پرداخته شده است. مباحث به صورت خطابه‌ای بیان شده و تحلیلی به هم‌راه ندارند. برای نمونه، در صفحه ۹۴، توجه به برنامه‌های بالادستی کشور و چابک‌سازی دولت مورد تأکید قرار گرفته است، ولی روش رسیدن به این وضعیت مطلوب مشخص نشده است. بعضی از مطالب درج شده در این فصل تکراری از بخش‌های قبلی است. برای مثال، مبارزه با فساد اقتصادی و اداری و بهبود فضای کسب‌وکار در راستای تسهیل سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف مجدداً در این فصل آورده شده است. محتوای فصل پنجم بیان‌گر این نکته است که نویسنده کوشش کرده است تا به صورت تیتروار سند چشم‌انداز اقتصاد ایران را تکرار کند. در خصوص راه‌کارهای اجرایی فرهنگ اقتصاد مقاومتی، مجدداً به رفع مشکلات ساختاری و قوانین دست‌وپاگیر دولتی اشاره شده است. ضمن این‌که بر کمبود نقدینگی در بخش تولید نیز مجدداً تأکید شده است (ص ۱۳۰). فصل ششم به چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی اختصاص دارد. حوزه بررسی در این بخش بسیار وسیع در نظر گرفته شده است و نمی‌توان تمامی چالش‌های بین‌المللی را به اقتصاد مقاومتی مرتبط کرد. برای نمونه، جدایی‌طلبی روس‌گرایان در اوکراین (ص ۱۳۷) و بحران آب در خاورمیانه (ص ۱۳۸) نمی‌تواند ارتباط تنگاتنگی با اقتصاد مقاومتی داشته باشد. در این خصوص، نویسنده در صفحه ۱۳۷ اقتصاد مقاومتی با اقتصاد ایران را یک‌سان فرض کرده است و بحران معنویت و اخلاق (که البته مکان آن مشخص نشده است) و گسترش قدرت ناتو به سمت شرق را از چالش‌های بین‌المللی اقتصاد ایران برشمرده است که در تحقق اقتصاد مقاومتی مؤثرند. در صفحه ۱۳۹ نیز نوشته شده است که آمارها و نظرسنجی‌ها و مطالعات گوناگون صحت نقش چالش‌های فرهنگی را در اقتصاد ایران نشان داده‌اند که اشاره‌ای به آمارها و نظرسنجی‌ها و مطالعات فوق نشده است. در این فصل و در صفحه ۱۴۱، نرخ تورم برخی از کشورها در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م آورده شده است. در این خصوص، موارد ذیل درخور تأمل است:

۱. نحوه انتخاب کشورها بیان نشده است؛
۲. دلیل انتخاب دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ م مشخص نشده است؛
۳. هیچ‌گونه تفسیر و شرح و دلیل و برهان در مورد آمار مذکور آورده نشده است.

هم‌چنین، در همین صفحه، از تحلیل ارتباط بین سند چشم‌انداز بیست‌ساله و اقتصاد مقاومتی غفلت شده است. در صفحه ۱۴۲، در مورد موضوع اشتغال و کاهش بی‌کاری فقط به ذکر گفته‌ها اکتفا شده است و تحلیلی انجام نگرفته است. این کاستی در بخش توجه مدیریت واردات و صادرات نیز مشهود است. ارتباط نداشتن متن و جدول نیز در این صفحه به چشم می‌خورد. در متن آورده شده است: «اگر نگاهی اجمالی به همسایگان خود به‌ویژه کشورهای هم‌زبان بیندازیم، متوجه می‌شویم که آن‌ها بهترین بازار برای محصولات ما خواهند بود که این موضوع باید بیش‌تر مورد توجه و برنامه‌ریزی قرار گیرد». در حالی که در جدول ۲ صفحه ۱۴۳، فقط به رشد خالص صادرات و خدمات طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۲ ش پرداخته شده است. دلیل تأکید نویسنده بر کشورهای هم‌زبان مشخص نشده است و بُعد اقتصادی آن تبیین نشده است. علاوه بر آن، در صفحه ۱۴۳ و در خصوص توجه به حوزه تولید ملی، به فراهم کردن زمینه‌های رشد اقتصادی ۸ درصد اشاره شده است که منبع این رقم نیز برای خوانندگان نامشخص است. در صفحه ۱۴۶، چالش‌های پیش‌روی اقتصاد مقاومتی مجدداً به صورت تیتروار بیان شده است که هر یک به صورت جداگانه به شرح نیاز دارد. برای مثال، وجود فسادهای متعدد اقتصادی و پیش‌گیری نکردن از فساد مالی در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی به اثبات و ارائه ادله نیاز دارد؛ امری که به آن توجه نشده است. در صفحه ۱۴۷ و در زیر عنوان «وابستگی کشور به کالاهای حیاتی و راه‌بردی خارجی»، مواردی بدون ذکر منبع مشخص شده است. در حالی که نویسنده می‌توانست با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، مطلب را به‌نحو مطلوب منتقل کند. در ادامه (صفحه ۱۴۸)، مواردی بدون ذکر آمار و یا اشاره به پژوهش‌های صورت‌گرفته آورده شده است؛ وابستگی کشور به درآمد نفت و مهندسی تعاملات تجاری در زمره این موارد است. نویسنده در صفحه ۱۴۹ صنعتی‌شدن را مهم‌ترین گام در اقتصاد مقاومتی می‌داند. در این خصوص، لازم بود که در ابتدا مفهوم صنعتی‌شدن توضیح داده می‌شد. سپس، روند صنعتی‌شدن در کشورهای منتخب بررسی می‌شد و نقاط ضعف اقتصاد ایران در طی کردن این مسیر مشخص می‌شد. با توجه به این که صنعتی‌شدن یک موضوع گسترده در اقتصاد توسعه است، نمی‌توان در چند خط مبحث را شرح داد. در ضمن، در ذیل عنوان صنعتی‌شدن، به رشد اقتصادی چند کشور بدون هیچ تحلیلی اشاره شده است که با موضوع نامرتب است. علاوه بر آن، در بحث درس‌هایی از کشورهای توسعه‌یافته جهان، به دو کشور ژاپن و کره جنوبی اشاره شده است. روند صنعتی‌شدن این دو کشور و فقدان تحلیل شاخص‌های مختلف مرتبط با بحث توسعه کاملاً به چشم می‌خورد. در صفحه ۱۵۳،

نویسنده استراتژی جای‌گزینی واردات را بهترین رویکرد توسعه تشخیص داده است که محل تأمل و اثبات است. برای مثال، می‌توان عملکرد صنعت خودروسازی در ایران را نمونه‌ای در جهت به‌کارگیری این نوع استراتژی دانست. سپس، مؤلف به راهبرد توسعه صادرات بدون هیچ جهت‌گیری‌ای اشاره کرده است. راهبرد سوم اشاره‌شده در کتاب نیز توسعه صادرات کالاهای صنعتی را مدنظر دارد. ابهام در بیان مطلب و توجه کافی نداشتن به شرایط اقتصاد ایران و ظرفیت‌های موجود آن از نکاتی است که در این بخش دریافت می‌شود. نویسنده در صفحه ۱۵۴ آثار تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را بررسی کرده است. در این بخش، با اشاره به یکی از اسناد معتبر (به‌نظر نویسنده)، تأثیر تحریم‌ها در اقتصاد ایران را «در حاشیه» می‌داند. نام نویسنده کتاب، روش تحلیل، سال (سال‌های) مورد مطالعه بر خواننده کاملاً نامعلوم است و فقط بیان شده است که بوریس زاگاریس (که رزومه وی نیز برای مطالعه‌کنندگان نامعلوم است)، کتاب تحریم ایران؛ شکست یک سیاست را بهترین اثر درباره تحریم‌های آمریکا بر ایران دانسته است.

در کل، نکات زیر درباره کیفیت تحلیل علمی کتاب درخور ذکر است:

۱. از ابزار علمی مشخصی در کتاب بهره گرفته نشده است و صرفاً به ذکر آمار پرداخته شده است؛
۲. کتاب ادبیات موضوعی ندارد و این امر کاستی بزرگی به‌ویژه در نتیجه‌گیری پایان کتاب در پی داشته است، زیرا نتیجه‌گیری یک پژوهش اقتصادی مطلوب از تحلیل داده‌ها و در بستر ادبیات موضوع شکل می‌گیرد. گرچه در فصل دوم، مدل اقتصاد مقاومتی ارائه شده است، ارتباط بین این مدل با سایر فصل‌ها مشخص نیست؛
۳. مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده مرتبط با موضوع موردتوجه نویسندگان قرار نگرفته است. این امر موجب شده است که کتاب فاقد بررسی و نقد آثار دیگران باشد؛
۴. نوآوری در هیچ‌یک از فصل‌های کتاب مشاهده نمی‌شود. انبوهی از اطلاعات کلی و عمومی درخصوص اقتصاد مقاومتی در فصول مختلف ذکر شده است؛
۵. مطالب کتاب ترکیبی از مباحث مدیریت و اقتصاد است و بدیهی است که هر یک گستره و شالوده خاص خود را داراست. باتوجه به این مورد، بهتر بود که نویسنده به صورت جزئی‌تر و با آمار و تحلیل، مدل مدیریتی را شرح می‌داد و مطالب اقتصادی را در کتاب و پژوهشی دیگر بیان می‌کرد تا اثر عمیق‌تر باشد و محتوای درخوری داشته باشد؛

۶. در بسیاری از موارد، آمار و اطلاعات به صورت کلی و بدون هیچ تحلیل و توجهی به مفاهیم پایه اقتصاد بیان شده‌اند. علاوه بر نمونه‌های یادشده، در صفحه ۱۸۸، به درآمدهای نفتی (بدون توجه به قیمت ثابت یا جاری) و به رشد اقتصادی و نرخ تورم (بدون ذکر سال پایه) اشاره شده است. بدیهی است که بی‌توجهی به این موارد می‌تواند برای مطالعه‌کنندگان کتاب گمراه‌کننده باشد.

۲.۴ نقد درون‌ساختاری

۱.۲.۴ میزان انسجام و نظم منطقی

از موارد حائز اهمیت در پژوهش‌های علمی انسجام مطالب در درون هر فصل و بین فصل‌ها و در نتیجه کل کتاب است. در کل، کتاب در نه فصل به بیان مفاهیم نظری و عملی اقتصاد مقاومتی پرداخته است. در فصل اول، مبانی نظری اقتصاد مقاومتی مرتبط با آموزه‌های اقتصاد اسلامی دانسته شده است، ولی در فصول بعد هیچ اشاره‌ای به ارتباط اقتصاد مقاومتی و اقتصاد اسلامی نشده است. در فصل دوم، مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی بیان شده است. در این جهت، با تأکید بر حلقه مدیریتی و طب سنتی قدیم هند (ص ۳۶) مدل بیان شده است. فصل سوم نیز، به رغم تکرار برنامه‌های راه‌بردی کشور، نگاه مدیریتی به اقتصاد مقاومتی دارد. حال آن‌که در فصل چهارم، بر مؤلفه‌های ارزشی تأکید شده است. بنابراین، سنخیت فصل اول و چهارم (از نظر نگرش به موضوع پژوهش) زیاد است. فصل پنجم ارتباط بین فرهنگ و اقتصاد مقاومتی را مدنظر قرار داده است، ولی در فصول بعدی (تا پایان کتاب)، نگرش اقتصادی بر کتاب حاکم می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، نقش مدل مدیریتی، که در این کتاب بر آن بسیار تأکید شده است، در فصول بعد مشخص نمی‌شود و در فصل دوم پایان می‌پذیرد. حال آن‌که انتظار می‌رفت تا هریک از حلقه‌های معرفی شده در مدل به تفصیل در ادامه کتاب بررسی و تحلیل شوند و نقش هریک در بهبود اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مشخص شود. علاوه بر آن، با توجه به نگرش‌های متفاوتی که می‌توان به اقتصاد مقاومتی داشت، این امکان وجود دارد که هر کتاب (پژوهش)، به تفصیل و از یک منظر مطالب را شرح دهد. برای نمونه، در این کتاب، نگرش اسلامی در فصول اول و چهارم برجسته می‌شود، ولی در دیگر بخش‌ها در حاشیه قرار گرفته است. بنابراین، میزان انسجام و نظم منطقی بین فصول متوسط ارزیابی می‌شود، اما مطالب مندرج در هر فصل به صورتی مطلوب آورده شده‌اند.

۲.۲.۴ اعتبار منابع و کیفیت استنادات

درکل، نکات زیر درباره وضعیت منابع کتاب درخور ذکر است:

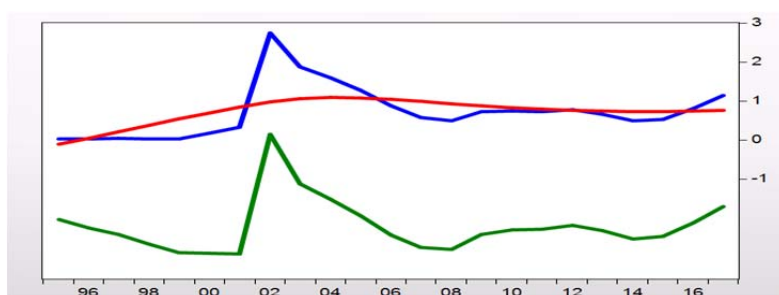
۱. بسیاری از جدول‌ها و شکل‌های کتاب منبع ندارند؛
 ۲. به متون اقتصادی و نظریات نوین به‌ویژه در حوزه اقتصاد کلان و اقتصاد توسعه توجه لازم نشده است؛
 ۳. برخی از کتب مورد استفاده در منابع از متون برجسته در علم اقتصاد به‌شمار نمی‌آیند. به‌ویژه در حوزه اقتصاد توسعه، کتب معتبر جهان در ایران ترجمه شده و در اختیار عموم قرار گرفته است؛
 ۴. توضیحات کافی در مورد نحوه ارجاعات در متن داده نشده است. برای نمونه، در صفحه ۱۵۴، در متن از دژپسند و صبوری نام برده شده است، حال آن‌که در پانوش، کیت گری فین، علیخانی، و بوریس زاگاریس معرفی شده‌اند. در نهایت، هیچ‌یک از چهار مورد فوق در منابع پایان کتاب آورده نشده است؛
 ۵. تاریخ و زمان استفاده از برخی از سایت‌ها مشخص نیست. برای مثال، در پانوشت صفحه ۱۳۵ این توضیحات داده نشده است.
- در مجموع در این کتاب، به اندازه کافی از منابع معتبر علمی به‌منظور تبیین موضوع استفاده نشده است و کتاب به‌لحاظ رعایت امانت و میزان دقت در استنادات و ارجاعات و توجه به اصول منبع‌دهی مطلوب نیست.

۳.۴ نقد برون‌ساختاری

هدف کتاب بیان مفاهیم و چالش‌های مربوط به حوزه اقتصاد مقاومتی است (به‌نقل از پشت جلد). ضمن این‌که اطلاعات و مطالب آن راه‌نمایی جامع و کامل برای تبیین راه‌بردها و کمک به تحقق اقتصاد مقاومتی است (ص ۸). در این جهت، نویسنده تلاش کرده است تا با نگرش‌های دینی و ارزشی و مدیریتی و اقتصادی مباحثی را مطرح کند و راه‌کارهایی را ارائه دهد، اما از آن‌جاکه ساختار خطابه‌ای بر کتاب حاکم است و اثر فاقد هرگونه تحلیل یا استناد علمی است، این امر محقق نشده است. جهت‌گیری به‌سمت هیچ‌یک از مکتب‌های اقتصادی در کتاب به‌چشم نمی‌خورد، ولی با توجه به موارد گفته‌شده، جهت‌گیری به‌سمت نظریه‌های اسلامی بیش از سایر مکاتب اقتصادی در آن دریافت می‌شود.

۴.۴ بررسی تحلیلی کتاب

از آن‌جاکه در این کتاب تحلیل‌های اقتصادی به مقدار کافی انجام نگرفته، در این قسمت، بخشی از محتوای آن با استفاده از داده‌های مراکز معتبر آماری به‌اجمال بررسی می‌شود. مدل مدیریتی اقتصاد مقاومتی معرفی شده شامل شش حلقه است. حلقه اول مدیریت و رهبری نام دارد و مواردی چون تهیه و تدوین اهداف و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی را در بر می‌گیرد. این حلقه هم‌اکنون در حال اجراست و برش‌های استانی آن نیز تهیه و تنظیم شده است. حلقه دوم کاهش وابستگی اقتصادی ایران را مدنظر دارد. از زیربخش‌های این حلقه به چند مورد اشاره می‌شود. مورد اول، به جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی اشاره دارد. بررسی نسبت میزان خالص سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم وارده به تولید ناخالص داخلی در اقتصاد ایران طی دوره ۱۹۹۵ م/ ۱۳۷۴ ش تا ۲۰۱۷ م/ ۱۳۹۶ با استفاده از داده‌های بانک جهانی نشان می‌دهد:



نمودار ۱. روند داده‌های واقعی و چرخه‌های تجاری نسبت میزان خالص سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم وارده به تولید ناخالص داخلی
منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از داده‌های بانک جهانی

الف) روند این نسبت نزولی است و بین صفر تا یک درصد قرار دارد. بنابراین، سهم نسبت خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی ایران ناچیز است؛
ب) فقط در پنج سال از ۲۳ سال موردبررسی این سهم بیش از ۱ درصد بوده است. بنابراین، اقتصاد ایران به حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیاز دارد که بتواند رشد اقتصادی را، به‌منزله یکی از اهداف اصلی اقتصاد مقاومتی، به‌ارمغان آورد، ولی باوجود تحریم‌های اقتصادی، فضای نامطلوب کسب‌وکار^۲ و رتبه نامناسب ایران در شاخص درک فساد (corruptions perception index)، نیل به چنین هدفی دشوار است.

به علت آن که عنوان کتاب *اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل* است، لازم است که این شرایط بیش تر بررسی شود.

در ادامه، به حمایت از شرکت های دانش بنیان اشاره می شود، ولی باید عملکرد آن ها در اقتصاد مقاومتی تبیین شود. برای نمونه، یکی از خروجی های شرکت های دانش بنیان در صادرات کالاهای با فناوری برتر نمود پیدا می کند. بر طبق آمارهای بانک جهانی، سهم صادرات صنعتی کالاهای با فناوری متوسط و برتر از کل صادرات صنعتی ایران طی دوره ۲۰۰۲ م / ۱۳۸۱ ش تا ۲۰۱۵ م / ۱۳۹۴ ش به طور میانگین ۲۶ درصد بوده است. به بیان دیگر، ۷۴ درصد از صادرات صنعتی ایران طی دوره مذکور کالاهایی با فناوری پایین بوده اند.

حمایت از تولیدات داخلی و ملی از مواردی است که نویسنده این کتاب در حلقه دوم به آن تأکید ورزیده است. در این خصوص باید به دو نکته توجه کرد:

الف) حمایت از تولیدات داخلی در ابتدا می بایست بر مبنای استراتژی رشد نامتوازن و در خصوص بخش هایی خاص انجام پذیرد. سپس، از طریق پیوندهای پیشین (forward linkage) و پیوندهای پسین (backward linkage)، رشد به وجود آمده در بخش های منتخب (پیش رو) به سایر بخش ها انتقال می یابد؛

ب) وابستگی به واردات می بایست در تعیین بخش های پیش رو و کل اقتصاد مورد تأکید قرار گیرد.

به منظور پاسخ، از جدول داده - ستانده استفاده می شود. با استفاده از نتایج جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰^۳ ش مرکز آمار ایران، بخش های مندرج در جدول ۱ در اقتصاد ایران از نظر تولید پیش روند.

جدول ۱. بخش های پیش رو در اقتصاد ایران

کشاورزی
ساخت محصولات غذایی
ساخت فراورده های حاصل از پالایش نفت
ساخت فراورده های شیمیایی
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
ساخت وسایل نقلیه موتوری
ساخت آهن و فولاد
تولید، انتقال، و توزیع برق
ساخت، تعمیر، و نصب محصولات فلزی

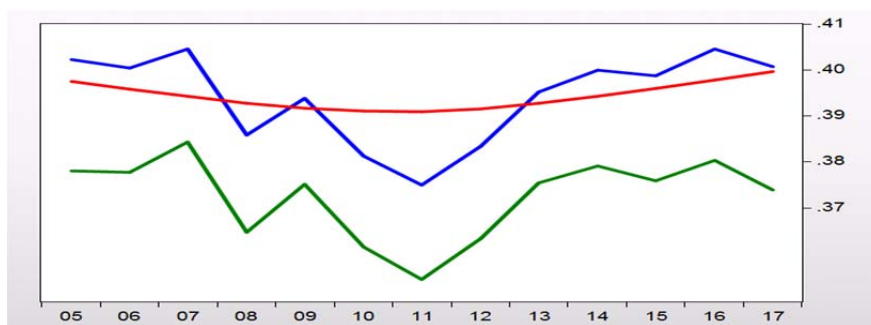
ساخت محصولات کانی غیرفلزی
خدمات عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
خدمات حمل‌ونقل زمینی

منبع: محاسبات پژوهش براساس جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰ ش

برطبق محاسبات انجام‌گرفته دوازده بخش در اقتصاد ایران پیش‌روند. بنابراین، به‌منظور حمایت از تولیدات داخلی و در راستای رشد اقتصادی، می‌بایست بخش‌های فوق در اولویت قرار گیرند.

در خصوص وابستگی به واردات، بخش‌های ابزار اپتیکی و تجهیزات پزشکی، انواع ماشین‌آلات، پوشاک، خدمات حمل‌ونقل هوایی بیش‌ترین وابستگی را به تولیدات خارج از کشور دارند.^۴ علاوه بر آن، برطبق آمار بانک جهانی طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۷ م، به‌صورت میانگین، ۲۲ درصد از تولید ناخالص داخلی از طریق واردات تأمین شده است.^۵ در این خصوص، پیش‌نهاد می‌شود که مواردی نظیر واردات بخش‌ها طی یک روند زمانی ارزش تولید زیربخش‌هایی که وابستگی زیادی به واردات دارند، نظیر خدمات حمل‌ونقل هوایی، تولید در زیربخش‌های پیش‌رو اقتصاد ایران (جدول ۱) به‌دقت واکاوی و بررسی شود.

در همین حلقه، توزیع عادلانه درآمدها مدنظر واقع شده است. گرچه بررسی این شاخص ارزش‌مند است، می‌بایست نوع درآمدها و هزینه‌های خانوارها نیز بررسی شود. نمودار ۲ روند ضریب جینی در اقتصاد ایران را طی دوره ۲۰۰۵ م/۱۳۸۴ ش تا ۲۰۱۷ م/۱۳۹۶ ش نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، درحالی‌که این ضریب در سال ۲۰۱۱ م/۱۳۹۰ ش بسیار کاهش یافته بود، مجدداً روند صعودی داشته است.



نمودار ۲. روند داده‌های واقعی و چرخه‌های تجاری ضریب جینی در ایران

منبع: محاسبات پژوهش با استفاده از داده‌های بانک مرکزی

ازسوی دیگر، علاوه بر ضریب جینی، باید درآمدها و هزینه‌های خانوارها را بررسی کرد. برطبق گزارش نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال ۱۳۹۶ ش (جدیدترین آمار)، متوسط درآمد ناخالص ماهانه خانوار شهری در ایران ۳۶۶۰۶۲۹ تومان و متوسط هزینه ناخالص ماهانه خانوار ۳۵۱۰۹۰۴ تومان بوده است.^۶ به بیان دیگر، میزان متوسط پس انداز ماهانه خانوارها در سال ۱۳۹۶ ش، ۱۴۹۷۲۵ تومان بوده است که رقمی ناچیز است. در این جهت، می‌توان به تحلیل روند طی سال‌های مختلف و محاسبه پس اندازها به قیمت ثابت پرداخت.

در حلقه سوم، به توسعه بازارهای مالی و همچنین مفاسد اقتصادی توجه شده است. برطبق آمارهای بانک جهانی، توسعه بازارهای مالی و گسترش ارتباط آن با بخش خصوصی در اقتصاد ایران رخ داده است.^۷ ولی باید از ظرفیت ایجادشده به نحو مطلوب بهره برد. برای مثال، باید مشخص شود که آیا این توسعه مالی موجب اشتغال و رشد اقتصادی شده است. درخصوص مفاسد اقتصادی، وضعیت ایران از نظر شاخص درک فساد مناسب نیست و این عامل اثر منفی در رشد اقتصادی دارد.

در حلقه چهارم، توسعه شبکه‌های ارتباطی کشور و فراهم آوردن بستر مناسب برای خصوصی سازی و تحقق اصل ۴۴ مدنظر قرار گرفته است. توسعه شبکه‌های راه‌های کشور به منزله بخشی زیربنایی حائز اهمیت است و در سطح کل در ایران، دارای روند صعودی است، ولی انتظار می‌رود که در کتب اقتصاد مقاومتی با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق در ارزیابی اقتصادی و بیان کاستی‌های موجود در این زمینه با ذکر مصادیق اشاره شود. برای مثال، احداث خط راه آهن اهواز - اصفهان، به علت حمل و نقل محصولات فولادی، دو خطه کردن راه آهن اندیمشک - دورود، به علت حمل و نقل مواد پتروشیمی و مواد وارداتی از بندر امام، از جمله موارد مهمی است که می‌تواند مورد بحث قرار گیرد.

ارزش کل واگذاری‌های انجام شده ازسوی سازمان خصوصی سازی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ ش طی دوره ۱۳۸۷ - ۱۳۹۵ ش روند نزولی داشته است و از قاعده‌ای مشخص پیروی نکرده است. در حالی که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ ش واگذاری‌های صورت گرفته به ترتیب ۳۵۰ و ۲۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است. این رقم در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ ش کم تر از ۵۰ هزار میلیارد ریال بوده است.^۸ علاوه بر آن، سهم بخش خصوصی واقعی از مجموع واگذاری‌های انجام شده سازمان خصوصی سازی طی دوره ۱۳۸۳ - ۱۳۹۵ ش، ۱۹ درصد بوده است و بقیه واگذاری‌ها شامل رد دیون دولت و سهام عدالت بوده است. با توجه به این حقایق آشکار شده، لازم است واکاوی‌های بیش تری انجام پذیرد.

در حلقه پنجم، مردم‌محوری بحث شده است. در این بخش، به مواردی هم‌چون فراهم آوردن فضای مناسب برای کسب‌وکار و سرمایه‌گذاری و کمک به تولید داخلی اشاره شده است. همان‌گونه که ذکر شد، جایگاه ایران از نظر شاخص کسب‌وکار در جهان نامناسب است. شاخص سرمایه‌گذاری نیز تابع شاخص‌های اقتصادی و سیاسی نظیر فساد، کسب‌وکار، و تحریم است و به‌صورت دستوری نمی‌توان آن را افزایش داد. در حلقه ششم، ارتباطات و تعاملات جهانی مطرح شده است. طبق آمارهای بانک جهانی، روند تجارت خارجی به تولید ناخالص داخلی طی دوره ۲۰۰۲ م/ ۱۳۸۱ ش تا ۲۰۱۷ م/ ۱۳۹۶ ش نزولی بوده است. درحالی‌که اکثر اقتصاددانان به دلیل تخصص در تولید کالاها، واردات کالاهای سرمایه‌ای، و واسطه‌ای که فناوری خارجی به‌هم‌راه داشته باشند، اثر بازبودن تجاری را بر رشد اقتصادی مثبت ارزیابی می‌کنند (سیدشکری و میرباقری ۱۳۹۱).

۵. نتیجه‌گیری

بند ۲۱ سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی بر گفتمان‌سازی سیاست‌ها، به‌ویژه در محیط‌های علمی و آموزشی و رسانه‌ای، تأکید دارد. از روش‌های تحقق بند فوق، بررسی و واکاوی آثار چاپ‌شده در این حوزه است. به‌گونه‌ای که بتوان پژوهش‌های تحلیلی مفید به‌منظور اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را باز شناخت. یکی از آثار به‌چاپ‌رسیده در این حوزه *اقتصاد مقاومتی؛ از نظریه تا عمل* نام دارد. بررسی شکلی کتاب نشان می‌دهد که نویسنده به‌دنبال بیان مفهوم نظری اقتصاد مقاومتی و اقداماتی است که موجب می‌شود سیاست‌های ابلاغی به‌نحو مطلوب اجرا شود. طرح روی جلد، با تأکید بر شش مؤلفه اقتصاد مقاومتی، سعی بر انتقال مفهوم آن دارد. رعایت‌نکردن اندازه قلم متن، تیرهای خاکستری‌رنگ کتاب، و تنوع در ارجاع منابع موجب شده است که از کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی اثر کاسته شود. ضمن این‌که ویرایش مجدد کتاب، با توجه به استفاده نامناسب از علامات و درج نام انگلیسی، ضروری است. متن کتاب تاحدی روان است، ولی جملات شعاری و احساسی و خطابه‌ای در آن بسیار به‌کار رفته است. کاستی بزرگ کتاب نداشتن تحلیل و تفسیر است و صرفاً به‌صورت تیتروار مطالب در حوزه‌های مختلف بیان شده است. علاوه‌بر آن، وجود نگرش‌های اسلامی و مدیریتی و اقتصادی در کتاب موجب شده است که گستره کار وسیع شود و در نتیجه نتوان به‌نحو مطلوب و شایسته مطالب را بیان کرد. علاوه‌بر آن، آمارهای نامرتب

با موضوع و بدون تفسیر موجب شده است که از توان و کیفیت علمی کتاب کاسته شود. بهره‌نگرفتن از کتب روز دنیا در تفسیرها یکی دیگر از ضعف‌های کتاب به‌شمار می‌رود. درنهایت، این اثر اطلاعات کلی و پراکنده‌ای در زمینه اقتصاد مقاومتی و اقتصاد ایران ارائه می‌کند و تحلیل اقتصادی ندارد و نتوانسته است نتیجه‌گیری منسجمی از مباحث درج‌شده ارائه کند. بنابراین، می‌توان گفت که کتاب حاضر مرجع مناسبی در زمینه تحلیل حوزه اقتصاد مقاومتی به‌شمار نمی‌رود.

پی‌نوشت‌ها

۱. در نمودار ۱، خط قرمز نشانه روند، خط آبی نشانه داده‌های واقعی است و خط سبز چرخه‌های تجاری را نشان می‌دهد. محاسبات با استفاده از فیلتر هودریک - پرسکات (Hodrick - Prescott) انجام پذیرفته است.
۲. برطبق گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۸، رتبه ایران در میان ۱۹۰ کشور موردبررسی ۱۲۴ بوده است.
۳. جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰ ش مرکز آمار ایران در اسفند ۱۳۹۶ منتشر شده است. از آن‌جاکه مقادیر ستانده مصرف واسطه‌ای و ارزش افزوده برخی از بخش‌های موجود در جدول مقارن منتشرشده (۹۹ بخشی) با حساب‌های ملی دارای اختلاف بود، درابتدا با استفاده از جداول مصرف و عرضه، جدول مقارن ۱۱۰ بخشی اقتصاد ایران تهیه شد و به‌منزله پایه آماری استفاده شد.
۴. محاسبات با استفاده از جدول داده - ستانده سال ۱۳۹۰ ش انجام شده است. برای نمونه، نسبت ارزش واردات به ستانده بخش ابزار آبتیکی و تجهیزات پزشکی ۲۵۳ درصد و بخش پوشاک ۱۶۳ درصد است.
۵. محاسبات با استفاده از شاخص imports of goods and services (% of GDP) انجام شده است.
۶. محاسبات این بخش را نویسندگان مقاله انجام داده‌اند. داده‌های بانک مرکزی برحسب ریال و سالانه است. به‌منظور درک بهتر، مقادیر به‌صورت ماهانه و برحسب تومان درج شده‌اند.
۷. برای نمونه روند دو شاخص domestic credit provided by financial sector (% of GDP) و domestic credit to private sector by banks (% of GDP) در اقتصاد ایران صعودی بوده است.

کتاب‌نامه

- بانک مرکزی (۱۳۹۷)، بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی، <<https://www.cbi.ir>>.
- داوودی، فیروز (۱۳۹۵)، *اقتصاد مقاومتی: از نظریه تا عمل*، تهران: جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر.
- سیداخلاقی، محمد (۱۳۸۰)، «راه و رسم تعیین حروف و انتخاب قطع کتاب»، *جهان کتاب*، ش ۱۳۳ و ۱۳۴.
- سیدشکری، خشایار و عاطفه‌السادات میرباقری (۱۳۹۱)، «اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصاد غیرنفتی کشورهای عضو اوپک»، *فصل‌نامه علوم اقتصادی*، س ۶، ش ۱۹۴.
- گیلیس، مالکوم و دیگران (۱۳۹۱)، *اقتصاد توسعه*، ترجمه غلامرضا آزاد، تهران: نشر نی.

Jehle, G. and P. Reny (2011), *Advanced Microeconomic Theory*, Prentice Hall.

Roland, G. (2013), *Development Economics: The Pearson Series in Economic*, Routledge.

<<http://www.ipo.ir>>.

<<http://www.worldbank.org>>.